

فایده‌مندی تاریخی از نظر مورخان اسلامی

سیدحسین فلاح زاده*

چکیده

هر چند دانش تاریخ، قدمتی کهن دارد، سوال از فایده‌مند بودن یا نبودن آن همواره ذهن بسیاری را در گذشته و حال به خود مشغول داشته است. اگر چه مورخان اسلامی کمتر فصلی از آثار خود را به این موضوع اختصاص داده یا اثر مستقلی در این زمینه تدوین کرده‌اند گاه در مقدمه نوشته‌های تاریخی خود بدین بحث پرداخته‌اند.

مقاله حاضر دیدگاه‌های حدود ده تن از مورخان برجسته اسلامی را در باره فایده‌مندی تاریخی استخراج و بررسی کرده است. از نظر این مورخان، عبرت‌گیری و تجربه‌آموزی از اعمال گذشتگان، دست‌یابی بر ملکه صبر، افزون شدن قوه عقل، رفع ناامیدی، دلگرمی به رحمت الاهی، کناره‌جویی از سرای فانی، دل بستن به سرای باقی، ایجاد سرگرمی و غیره از جمله مهم‌ترین فواید مطالعات تاریخی هستند.

واژگان کلیدی: فایده‌مندی تاریخی، مطالعات تاریخی، مورخان اسلامی.

دانش تاریخ را تاریخی طولانی است. کمتر قوم، ملت و تمدنی را می‌شناسیم که به تاریخ توجه نداشته و از خود نیز آثار تاریخی بر جای نهاده باشند. از تمدن‌هایی که تا حدودی به ما نزدیک‌ترند افزون بر ده‌ها کتیبه و لوحه و سنگ‌نوشته، کتاب‌های تاریخی چندی نیز باقی مانده است که به دست مورخان برجسته‌ای تالیف شده‌اند؛ برای نمونه در تمدن یونان و روم مورخانی مشهور همچون هرودوت، کتزیاس، پلوتارک، گزنفون، پروکوپوس و نظایر آن‌ها می‌زیسته‌اند که خوشبختانه آثارشان هم اکنون نیز در دسترس است. از تمدن ایران باستان نیز آثاری همچون خدای نامه‌ها، کتب پهلوی و ده‌ها لوحه

* استادیار دانشگاه باقرالعلوم (ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۲/۲۴ تاریخ تأیید: ۱۳۸۵/۴/۱۲

وکتیبه همانند لوحه‌های آریارامنه و آرشام از شاهان محلی پارس و کتیبه‌های بیستون، گنجنامه و غیره برای ما برجای مانده است.

تمدن اسلامی از جهت تاریخ نگاری بسیار ممتاز است. حجم آثار تاریخی باقیمانده از این تمدن آن‌چنان گسترده است که به‌خاطر سپردن اسامی آن‌ها نیز دشوار می‌نماید. به‌قول مصطفی شاکر در تمدن اسلامی قریب شش هزار مورخ و دوازده هزار کتاب تاریخی وجود داشته است. البته این رویکرد گسترده مسلمانان به تاریخ، در عواملی چند ریشه دارد که در جای خود بدان پرداخته شده است. (ر.ک: سجادی، ۱۳۸۰: ص ۲۲-۳۷؛ شاکر، ۱۹۸۳م: ص ۴۹-۷۴؛ نصار، ۱۴۰۰ق: ص ۱۴-۱۸؛ الخالدی، ۱۹۹۷م: ص ۱۹-۳۸)

با وجود چنین توجه گسترده گذشتگان به تاریخ، پرسش از فایده‌مند بودن یا نبودن تاریخ همواره ذهن بسیاری را در گذشته و حال به خود مشغول داشته است. ابن اثیر، مورخ مشهور اسلامی متعلق به قرون ششم و هفتم هجری در مقدمه کتاب خویش آورده است:

من گروهی از کسانی را دیدم که دعوی دانایی و هوشیاری دارند و خود را در دانش استاد می‌پندارند؛ با این همه، تاریخ‌ها را تحقیر و تمسخر می‌کنند و از خواندن آن دوری می‌جویند و این کار را لغو می‌شمارند و گمان می‌برند که بیش‌ترین سود تاریخ این است که مقداری قصه و خبر در اختیار خواننده می‌گذارد و آخرین حد آشنایی به تاریخ، آگاهی یافتن از حدیث‌ها و افسانه‌ها است (ابن اثیر، بی تا: ج ۱، ص ۱۳۸).

دکتر زرین کوب نیز در ابتدای کتاب تاریخ در ترازو به طرح سوال پیشین پرداخته است. وی در این زمینه می‌نویسد:

تاریخ چه فایده دارد؟ اولین بار که این سوال در خاطر من راه یافت، هنوز شاگرد مدرسه بودم؛ اما جوابی که معلم ما به این سوال داد، فقط این نکته را به من آموخت که برای چنین سوالی نباید جواب روشنی توقع داشته باشم. فایده تاریخ این است که دانستن آن مایه قبولی در امتحان می‌شود. این جوابی بود که معلم ما می‌پنداشت.

وی سپس به بررسی فایده تاریخ پرداخته است (زرین کوب، ۱۳۶۲: ص ۲۶-۹) مبحث پیش‌گفته به‌طور پراکنده در کتاب‌های فلسفه تاریخ نیز مطرح شده است؛ برای نمونه شهید مطهری در کتاب فلسفه تاریخ خود مطالبی را ذیل عنوان ارزش تاریخ ارائه کرده است (مطهری، ۱۳۸۰: ص ۱۱۸-۱۲۳)

در مقاله حاضر در صدیدیم تا موضوع فایده‌مندی تاریخ را از دیدگاه مورخان برجسته اسلامی بررسی کنیم. در آغاز توجه به این نکته ضرورت دارد که موضوع پیش‌نه در همه

کتاب‌های مورخان اسلامی، بلکه در پاره‌ای از آن‌ها مطرح شده است. گذشته از این، مورخانی هم که به طرح این مبحث روی آورده‌اند، آن را نه در فصلی مستقل، بلکه به‌طور عمده در مقدمه کتاب خود ذکر کرده‌اند. در این نوشتار، دیدگاه‌های حدود ده تن از مورخان بزرگ اسلامی به ترتیب زمانی بررسی قرار گرفته است.

خلیفه بن خیاط

خلیفه ابن خیاط یکی از قدیم‌ترین مورخان اسلامی است که خوشبختانه برخی از آثار او به‌دست ما رسیده. وی به قرن سوم تعلق دارد و در سال ۲۴۰ قمری درگذشته است. از خلیفه، گذشته از تاریخ وی، کتاب *الطبقات* او نیز باقی مانده است. نویسنده مذکور در آغاز تاریخ خود به ذکر فوایدی برای تاریخ پرداخته:

به‌وسیله تاریخ، مردم امر حج و روزه و پایان عده زنانشان و وقت دیونشان را می‌شناسند» (ابن خیاط، ۱۴۱۴ق: ص ۲۳).

خلیفه آن‌گاه با استناد به آیه‌هایی از قرآن کریم همچون آیاتی که در مورد اهل، مواقیت، عدد سنین و حساب آمده است، همین فواید را از آن‌ها استنباط می‌کند. وی سپس به این نکته می‌پردازد که پیوسته اقوام گذشته برای خود تاریخ داشته‌اند. منظور او این‌جا از واژه تاریخ، مبدا سال‌شماری و زمان سنجی است؛ به گونه‌ای که در عصر اول، هبوط آدم از بهشت و پس از آن بعثت نوح و دعوت او از قوم خود، سپس طوفان نوح مبدا زمان سنجی بوده است. به دنبال آن در آتش افکندن ابراهیم و بنیان کعبه مبدا زمان سنجی شدند.

فاریسیان و بنی اسرائیل نیز برای خود چنین مبادی‌ای داشته‌اند. فرزندان اسماعیل ابتدا بنیان کعبه و پس از آن مرگ کعب بن لوی و سپس عام الفیل و آن‌گاه هجرت پیامبر را آغاز تاریخ نگاری خود شمردند (همان: ص ۲۴).

خلیفه بن خیاط پس از ذکر این نکات، به این پرسش پاسخ می‌دهد که مسلمانان از کی و چگونه هجرت پیامبر را مبدا تاریخ نگاری خود به‌شمار آوردند. وی پس از نقل روایاتی در این زمینه، آورده است که خلیفه دوم، مهاجر و انصار را جمع کرد و از آنان در مورد آغاز تاریخ نگاری پرسید. امام علی علیه السلام به او گفت: آن را از آغاز خروج رسول الله از سرزمین شرک یعنی روز هجرت قرار ده و عمر نیز آن را پذیرفت و نوشت (همان: ص ۲۵).

از تامل در مواردی که از خلیفه نقل شد می‌توان دریافت که بیشترین منظور وی از

فواید تاریخ منحصر در گاه‌شماری و زمان‌سنجی است و او کمتر از فایده مطالعه تاریخ به گونه‌ای که دیگران مطرح کرده‌اند، سخن گفته است.

ابوعلی مسکویه رازی

کتاب تجارب الامم ابوعلی مسکویه (م ۴۲۱ق) را می‌توان از آثار گرانسنگ تاریخ‌نگاری اسلامی برشمرد. نویسنده آن، گذشته از تاریخ در علوم دیگری همچون فلسفه، اخلاق و غیره نیز صاحب نظر بوده و از وی آثار چندی در این زمینه‌ها باقی مانده است. نگاه فلسفی و اخلاقی او به تاریخ، اثری در خور تحسین را از وی به یادگار نهاده است.

مسکویه در مقدمه اثر خویش علت فایده‌مند بودن تاریخ را چنین شرح می‌دهد: من چون اخبار امم و سیره پادشاهان را بررسی کردم و اخبار شهرها و کتب تواریخ را خواندم، در آن‌ها چیزهایی یافتم که از آن‌ها تجربه‌ای به دست می‌آید که همانند آن تکرار می‌شود و وقوع شبیه و همشکل آن انتظار می‌رود (مسکویه، ۱۳۷۹: ص ۴۷).

مسکویه چون به وقوع حوادث مشابه در تاریخ اعتقاد دارد، بر این باور است که پس می‌توان با مشاهده حوادث گذشته، برای آینده تجربه‌ای اندوخت. به نظر او کسی که با چنان حوادثی آشنا باشد، گویی در تمام آن زمان‌ها زندگی کرده و خود به نفسه با آن حوادث همراه و مباشر بوده است. چنین شخصی در زندگی خبیر و دانا است و به حوادث قبل از وقوع آن‌ها شناخت دارد و چقدر تفاوت است بین او و کسی که چنین شناختی ندارد و حوادث برای او جز پس از واقع شدن روشن نمی‌شود و بدان‌ها جز با نگاه غریب نمی‌نگرد. هرچه روی دهد او را متحیر می‌سازد و هر امر جدیدی وی را به وحشت می‌افکند (همان: ص ۴۸).

این سخن مسکویه شباهت فراوانی با کلام امام علی علیه السلام دارد و چه بسا از آن گرفته شده باشد. آن حضرت در وصیت معروف خود به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

پسرکم هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده‌اند نزیسته‌ام، اما در کارهاشان نگرسته‌ام و در سرگذشت‌هاشان اندیشیده و در آنچه از آنان مانده رفته و دیده‌ام تا چون یکی از ایشان گردیده‌ام؛ بلکه با آگاهی که از کارهاشان به دست آورده‌ام؛ گویی چنان است که با نخستین تا پسینشان به سر برده‌ام (شهیدی، ۱۳۸۱: ص ۲۹۷ و ۲۹۸)

نامگذاری کتاب مسکویه نیز متأثر از نگرش وی به سودمندی و تجربه‌آموزی تاریخ

بوده است.

بدین سبب که تاریخ حاوی تجارب است، این کتاب را جمع کردم و آن را تجارب الامم نام نهادم.

بیشترین کسانی که از این اثر بهره می‌گیرند و بزرگ‌ترین افرادی که از آن منتفع می‌شوند، کسانی چون وزرا، فرماندهان سپاه، کارگزاران و سپس سایر طبقات مردمند که در امور دنیوی درگیرند. دیگر مردمان که بهره کمتری از آن می‌برند، در تدبیر منزل، معاشرت با دوستان و غیره بی‌بهره از آن نیستند (همان: ص ۴۹).

البته مسکویه برای آن دسته از اخبار تاریخی که به خرافات و افسانه شبیه است، چنین تجربه‌ای قائل نیست و آن‌ها را فقط برای خواب آوردن به چشم و نظایر آن مناسب می‌شمارد.

عزالدین علی ابن اثیر

۲۹



فایده‌مندی تاریخ از نظر مورخان اسلامی

ابن اثیر، مورخ برجسته اسلامی متعلق به قرون ششم و هفتم است. وی با دو اثر سترگ خود *الکامل فی التاریخ* و *اسدالغابه فی معرفة الصحابه* شناخته شده است.

ابن اثیر، در مقدمه اثر نخست خویش به بحث از فواید تاریخ پرداخته. وی ابتدا همان‌گونه که پیش از این از او نقل کردیم، کسانی را که خود را اهل دانش دانسته ولی تاریخ را تحقیر و تمسخر می‌کنند، مورد انتقاد قرار می‌دهد و در مقام پاسخ به آن‌ها می‌گوید: کسی که خداوند او را طبعی سلیم داده و به راهی مستقیم رهنمون داشته، می‌داند که سودهای تاریخ بسیار و منافع دنیوی و اخروی آن بی‌شمار است (ابن اثیر، بی‌تا: ص ۱۳۹).

وی آن‌گاه به معرفی برخی از فواید تاریخ می‌پردازد و بر این نکته تاکید می‌کند که موارد پیشین بر وی آشکار شده است و خواننده تاریخ اگر اهل ذوق و قریحه باشد، برای تاریخ فواید دیگری را در خواهد یافت.

فایده یا سود نخست تاریخ از نظر ابن اثیر عمر طولانی و جاودانگی است. مطالعه تاریخ از این جهت برای انسان همانند حضور او در تحولات گذشته است. از سودهای دنیایی تاریخ یکی این است که آدمی دوستدار جاودانگی است و می‌کوشد که در زمره زندگان باشد؛ بنابر این، ای کاش می‌دانستم چه فرقی است میان آنچه دیروز دیده و شنیده و آنچه در کتاب‌هایی خوانده که متضمن اخبار گذشتگان و حوادث پیشینیان است؛ پس هنگامی که این رویدادها را می‌خواند، گویی با آن گذشتگان همزمان بوده و وقتی از کارهای ایشان آگاه می‌شود، مانند این است که در نزدشان به سر می‌برده است» (همان: ص ۱۳۹).

فایده دیگر تاریخ آن است که بیشتر به کار زمامداران می‌آید. بدین صورت که آنان چون از رفتار پیشینیان آگاه شوند، می‌فهمند که بیدادگری حاکمان گذشته چقدر مایه بدنامی آنان، و برعکس دادگری برخی دیگر باعث نام نیک آنان شده است. همین امر سبب

می‌شود تا زمامداران، دادگری را پیشه گیرند و آنچه را مخالف عدل و داد است کنار نهند. گذشته از این در این مطالعه تاریخ آن‌ها با اندیشه‌های درستی آشنا می‌شوند که پیشینیان به نیروی آن، گزند دشمنان را دفع، و شهرهای عالی و کشورهای بزرگ را حفظ کرده‌اند (همان: ص ۱۴۰).

سومین سود تاریخ از نظر ابن اثیر تجربه‌آموزی است:

سود دیگر تاریخ آن است که آدمی از خواندن آن تجربه می‌اندوزد و با رویدادها آشنا می‌شود و پی می‌برد که هر کاری برای شخصی چه عواقبی به بار می‌آورد (همان).

ابن اثیر در پاسخ این سوال مقدر که چگونه تاریخ تجربه آموز است می‌نویسد:

هیچ واقعه‌ای روی نمی‌دهد جز این که عین آن یا همانند آن قبلا پیش آمده باشد. این موضوع خرد را فزونی می‌بخشد و کسی را که از حوادث عبرت می‌گیرد، به راه راست می‌آورد (همان).

این سخن ابن اثیر که تشابه حوادث باعث تجربه‌آموزی می‌شود، نکته‌ای بسیار مهم است؛ زیرا حوادث تاریخی با تمام مشخصات پیشین هیچ‌گاه تکرار نمی‌شوند.

فایده دیگر تاریخ از نظر ابن اثیر آن است که می‌توان به وسیله نقل تاریخ در انجمن‌ها و بزم‌ها اهل مجلس را مجذوب خود ساخت و مقبول و مورد توجه دیگران واقع شد. هنگامی که کسی تازه‌ای از تازه‌های تاریخی را شرح می‌دهد، می‌بینی که گوش‌ها به سخن او است؛ روی‌ها به سوی او برگشته است؛ دل‌ها شیفته گفتار او و ستاینده بیان او است (همان: ص ۱۴۱).

گرایش به آخرت و دل بستن به آن و کناره جویی از دنیا، فایده دیگر تاریخ است؛ زیرا انسان دانا وقتی به مطالب تاریخ می‌اندیشد، می‌بیند که گیتی چگونه رنگ می‌گرداند و از مردم بر می‌گردد و بدبختی‌های آن دامنگیر آنان می‌شود و کوچکان و بزرگان‌شان را نابود می‌سازد. نه توانگر از گزندش در امان است نه تنگ‌دست. ملاحظه این امور سبب می‌شود تا انسان این سرای فانی را رها کرده و به سرایی دل‌بندد که ویژگی‌های این سرای فانی را ندارد و اهل آن از نقایص این جهان در امانند (همان).

سود دیگر تاریخ از نظر ابن اثیر آن است که آدمی را به شکیبایی و پایداری عادت می‌دهد:

خردمند هنگامی که ببیند نه پیامبر گرامی از آسیب‌های جهان برکنار ماند و نه پادشاهان بزرگ بلکه هیچ یک از آدمیان را از تحمل مصائب دنیوی چاره‌ای نیست، پی می‌برد که او هم سختی‌هایی می‌کشد که دیگران کشیدند ورنج‌هایی می‌برد که دیگران بردند (همان: ص ۱۴۲).

ابن اثیر سخن خود در باب فایده‌مندی تاریخ را با این آیه قرآن کریم به پایان می‌برد:
ان فی ذلک لذکرى لمن کان له قلب او القى السمع و هو شهید (ق، ۳۷).

هندوشاه نخجوانی

کتاب *تجارب السلف* هندوشاه بن سنجر نخجوانی یکی دیگر از آثار برجسته در تاریخ‌نگاری اسلامی است که حدود سال ۷۲۴ قمری فراهم آمده است. موضوع اصلی این اثر تاریخ خلفا و به‌ویژه وزیران آن‌ها می‌باشد. هندوشاه در مقدمه کتاب خویش نکات چندی را متذکر شده که از جمله آن‌ها بیان فوایدی پنج‌گانه برای تاریخ است.

۳۱

فایده

فایده‌مندی تاریخ از نظر مورخان اسلامی

فایده اول تاریخ از نظر او، زیادت قوه عقل است. وی علت این فزونی را چنین ذکر می‌کند:
زیرا که متامل چون سیر سلف، از سیاسات پسندیده و تدابیر صائب و رای‌های راست و حیل موثر که به‌واسطه آن از شداید خلاصی یابند و مکاید که به استعانت آن بر اعدا مظفر شوند و به مرادات واصل گردند را مطالعه کند هر آینه او را از وقوف بر این حالات فوایدی حاصل آید که از وقایع و تجارب دیگران مستفاد باشد و این معنا نزدیک است بدان مثل که گویند از هر زیان زیرکی حاصل آید (نخجوانی، ۱۳۵۷: ص ۲).

فایده دوم تاریخ از نظر او تفرجی است که نفس آدمی از کتب تواریخ می‌برد؛ زیرا با وقایع غریب و حوادث عجیب و اتفاقات نادر آشنا می‌شود (همان).

سومین فایده تاریخ از نظر هندوشاه حصول ملکه صبر است:
به سبب وقوف بر تغییرات روزگار که اکابر را به مراتب اصغر می‌افکند و اقویا را به درجات ضعفا می‌رساند؛ عاقل را ملکه صبر میسر می‌شود (همان: ص ۳)

فایده چهارم، برطرف شدن یاس و ایجاد روح امید است؛ زیرا آدمی وقتی حکایاتی را که متضمن فرج بعد از شدت است مطالعه کند، نومی‌دی او از بین می‌رود و به لطف و رحمت الاهی پشت گرم می‌شود و می‌داند که شدت مستلزم فرج است و به‌دنبال هر عسری یسری خواهد آمد (همان).

فایده آخر تاریخ از نظر هندوشاه ایجاد سرگرمی است:
تواریخ در حقیقت اسمارند و اسمار مرد را مشغول گرداند تا از غم‌ها ساعتی خلاصی یابد و از نامرادی‌ها برآساید و باشد که تاثیر آن در نفس بماند (همان).

هندوشاه وجه نامگذاری کتاب خود به *تجارب السلف* را به سبب همین توجه به فواید تاریخ می‌داند که در راس آن‌ها تجربه‌آموزی از گذشتگان قرار دارد.

حافظ ابرو

عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید معروف به حافظ ابرو، از مورخان برجسته دوره تیموریان است که در سال ۸۳۳ قمری درگذشته است. حافظ ابرو صاحب آثار متعددی بوده است. کتاب جغرافیای تاریخی از جمله آثار او است که در مقدمه آن نکاتی را در مورد تاریخ و فایده آن ذکر کرده.

حافظ ابرو در آن‌جا ماهیت علم تاریخ را چنین می‌داند:

ماهیت علم تاریخ معرفت احوال عالم کون و فساد است از حوادث ایام ماضیه و قرون سالفه و امم سابقه و آنفه و اساس و اقلع منازل و مدن و اصقاع و بقاع قریبه و بعیده و آثار علوی از ظهور خسف و زلازل و حدوث ذوات اذئاب و شهب و صواعق و رعود و بروق و احوال ایشان، و آنچه عجیب و غریب باشند که هر یک بر چه وجه و در کدام وقت نازل و حادث شده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ص ۲۶).

علت غایبی تاریخ نیز به نظر او «اعتبار و استبصار و انذار و احذار است از دانستن تغییرات دول و معرفت تبدیل ملل و نحل تا بر حسنات اقدام و از سیئات اجتناب و انحذار نماید» (همان).

حافظ ابرو برای تاریخ فوایدی را ذکر کرده است:

فایده نخست تاریخ آن است که با مطالعه تواریخ و قصص و حکایات و اخبار و آثار پادشاهان ماضی خیر و شر و نفع و ضرر گذشتگان معلوم شود. هر که را نصیب دنیاوی بیشتر چون پادشاهان و امرا و وزرا فواید ایشان از مطالعه تواریخ زیادت باشد. فایده دیگر آموختن انواع حیل و تزویر که وظایف جنگ و معرکه باشد از مکر و مکیدت امرا و غدر و خدیعت وزرا و نوادر حوادث که استعمال آن منقضی به ظفر و نصرت باشد. این بهره‌گیری از تاریخ به آن سبب است که امور دنیاوی متقاربنند و سلسله وقایع و حوادث متسلسل و متعاقب و هر چه یک بار حادث شد اعادت تکرار مثل آن عن قریب چشم می‌باید داشت.

فایده دیگر تاریخ آن است که چون اخلاف در قرون و اطوار پادشاهان و خانان نظر کنند و ببینند که تصاریف ایام بر ایشان ابقا نکرد و مال و مملکت و سپاه همه به زوال کشید و جز آثار نیک و بد و اخبار خیر و افسانه و اثمار نماند، رغبت در تقدیم حسنات ثابت گردد و سعی و جهد در امضا و اجرای خیرات و مبرات موکدتر شود و دل بر بقای دنیا ننهند. ارباب کیاست عجایب تغلبات را سرمایه بیداری و هوشیاری سازند و راستکاری را سبب رستگاری دانند (همان: ص ۲۸).

فایده دیگر تاریخ آن است که از دانستن احوال انبیا و حوادثی که به ایشان رسید و تلقی کردن ایشان حوادث و وقایع را به رضا و صبر و نجات یافتن از بلاها، وسیلت امیدواری عالمان علم تاریخ می‌شود.

حافظ ابرو با ذکر نکاتی دیگر، فواید علم تاریخ را نامحصور می‌داند (همان: ص ۳۰).

سید ظهیرالدین مرعشی

از سید ظهیرالدین مرعشی، مورخ نامدار قرن نهم دو اثر گرانبها به دست ما رسیده است. مولف در آغاز هر دو اثر که تواریخ محلی هستند در مورد اهمیت و فواید تاریخ نکاتی را متذکر شده است.

۳۳

توسعه

مرعشی در آغاز تاریخ گیلان و دیلمستان خود علم تاریخ را از علوم ضروریه می‌داند و معتقد است تا کسی بر احوال گذشتگان عالم واقف نشود، از فواید العلم علمان علم الابدان و علم الادیان بی‌بهره و بی‌نصیب خواهد بود:

وقوف بر احوال انبیا و اولیا علیهم‌السلام و دانستن تواریخ ایشان موجب ازدیاد علوم ابدان و ادیان است و همچنین وقوف بر افعال و اطوار کافه انام موجب ازدیاد فطانت و فراست ذهن و ذکای ارباب عقول می‌گردد (مرعشی، ۱۳۶۴: ص ۷).

نویسنده مذکور در ابتدای اثر بعدی خویش یعنی *تاریخ طبرستان* و رویان و مازندران چنین آورده است:

بدان که علم تاریخ علمی است مشتمل بر شناختن حالات گذشتگان این جهان که چون اهل بصیرت به نظر اعتبار بر مصداق فاعبروا یا اولی الابصار نگاه کنند، به دلایل عقلی بدانند که احوال مردم حال را مآل کار بر همان منوال خواهد بود و غرض از آن مجرد قصه خوانی و خوش آمد طبع و هوای نفسانی نباشد و غرض کلی و مقصود اصلی بر آن باشد که از دانستن آن فایده دین و دنیا به حاصل آرد که اگر مقصود از آن فایده دارین نبودی، خدای تعالی شانه در کلام مجید ذکر انبیا و اولیا که پادشاهان دین و دنیایند نکردی و احوال کفره و فجره و فسقه را که خسرالدنیا والاخرهاند هم به استقصا یاد نفرمودی (مرعشی، ۱۳۶۱: ص ۱۰۱).

مرعشی سپس گذشتگان این جهان و سکان این زمان را به پنج قسم انبیا، سلاطین، زهاد، حمله سلاح و ارباب حرث و سوق تقسیم می‌کند و معتقد است اگر انسان‌های کنونی بر احوال گذشتگان هم صنف خود وقوف یابند می‌توانند از آن بهره گیرند. وی حتی معتقد است که می‌توان از رفتار بی‌ادبان نیز به مصداق سخن لقمان حکیم پند گرفت. بر این اساس او علم تاریخ را از جمله علوم ضروریه‌ای می‌داند که دانستن آن لازم است (همان: ص ۱۰۴).

محمد بن خاوند شاه بن محمود (میرخواند)

محمد بن خاوند شاه، معروف به میرخواند از مورخان مشهور اواخر عهد تیموری و متعلق به قرن نهم است. وی در هرات و تحت حمایت امیر علی شیر نوایی اثر برجسته خود را با عنوان روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفاء نگاشت و قبل از اتمام نهایی آن در سال ۹۰۳ قمری دار فانی را وداع گفت. میرخواند نیز از جمله مورخانی است که در آغاز اثر خویش به فواید تاریخ توجه کرده است:

بر هوشمندان صاحب خبرت پوشیده نماند که علم تاریخ متضمن فواید بسیار است و ایراد مجموع آن‌ها موجب اطناب و اکثار اما به حکم ما لا یدرک کله لا یتدرک کله از ذکر بعضی از فواید چاره نیست تا صاحبان ذکا و فطنت را که میل به مطالعه این فن شریف دارند رغبت و معرفت بر این علم زیاده شود و شعف در اکتساب آن بیشتر نمایند (میرخواند، ۱۳۸۰: ص ۱۱).

مؤلف آن‌گاه به ذکر ده فایده برای تاریخ به شرح ذیل می‌پردازد.

فایده نخست تاریخ از نظر میرخواند آن است که فقط از طریق تاریخ می‌توان بر مسموعات دست یافت و مسموعات کنار مشاهدات بخشی از محسوسات است و بنی آدم را معرفت از طریق عقل و حس میسر می‌شود؛ بنابراین، بخش مهم از معرفت ما از طریق مسموعات به دست می‌آید. (همان). فایده دیگر تاریخ آن است که باعث خرمی و بشاشت است و زنگ شنامت و ملالت از آینه خاطر می‌زداید؛ زیرا حس سمع نه تنها از استماع اخبار و آثار ملول نمی‌گردد، بلکه هر لحظه او را بهجتی و مسرتی بیشتر حاصل می‌آید از آن جهت که اخبار و استخبار در جبلت بشری مرکوز است. در امثال آمده است که لا یشبع العین من نظر ولا السمع من خبر و لا الارض من مطر (همان: ص ۱۱ و ۱۲). سومین فایده تاریخ را میرخواند در سهل الماخذ بودن تاریخ می‌داند و این‌که مبتنی بر حفظ است و بس و لذا کسی که از این راه سهل به مطالعه گذشتگان مشغول شود، زودتر به مقصود فایز آید (همان: ص ۱۲).

همچنین تاریخ با توجه به آن‌که سر و کار با روایات ثقات و غیرثقات دارد، کسی را که با آن ممارست کند، قدرت شناخت حق از باطل نصیب می‌کند (همان).

تجربه‌آموزی فایده دیگر تاریخ از نظر میرخواند است. این تجربه‌آموزی از طریق مباشرت امور، مشاهده وقایع و اطلاع بر احوال متقدمان حاصل می‌آید. گذشته از این فایده، متامل علم تاریخ را مرتبه مشورت با عقلای عالم دست می‌دهد؛ پس اگر کسی را واقعه‌ای پیش آید و طریق کشف آن را از علم تاریخ استکشاف کند، نتیجه عقل جمله عقلا بدو رسیده باشد. این سبب می‌شود تا دست غوغای لشکر حوادث از تاراج ذخایر فکرت

او کشیده ماند و سواد غبار همومش به آب نتایج عقول اسلاف از لوح خاطر شسته شود؛ زیرا السعید من وعظ بغیره (همان: ص ۱۳).

هفتمین فایده تاریخ را می‌خواند چنین تقریر می‌کند:

شعور به علم تاریخ سبب زیادتی عقل و وسیله ازدیاد فضل و واسطه صحت رای و تدبیر است و لهذا بوذرحمهر که ذات کریمش دیباچه صحف حکمت بود می‌گوید که علم تاریخ مؤید و معین رای صواب است (همان: ص ۱۴).

۳۵

فایده

فایده‌مندی تاریخ از نظر مورخان اسلامی

تاریخ همچنین باعث می‌شود تا ضمایر اصحاب اقتدار و اختیار در وقوع قضایای هائیه و حوادث مشکله به سبب مطالعه این فن مطمئن و برقرار ماند؛ زیرا در گذشته نیز بسیار بوده که واقعه عظیمی رخ داده و از محض عنایت کردگار با سهل و جهی گذشته است.

می‌خواند فایده دیگر تاریخ را در ایجاد مرتبه صبر و رضا برای مطالعه کنندگان آن می‌داند؛ «زیرا چنین کسی چون در حوادث روزگار تامل نماید داند که ذوات کرام رسل و انبیا علیهم‌السلام در صنوف بلایا که از امم سالفه نسبت بدیشان افتاد چگونه تحمل نموده‌اند و در طریق مصابرت به چه کیفیت سلوک فرموده‌اند لاجرم او نیز چون دایه عظیمی روی نماید دست در عروة الوثقی صبر و حبل المتین رضا زند و بدان اعتصام فرماید» (همان).

می‌خواند دهمین فایده تاریخ را در این می‌داند که «آدمی را با مطالعه اساطیر سلاطین و پادشاهان و دانستن غرایب انقلابات و عجایب تحولات که این فن شریف مخبر از آن است، بر قدرت قاهره حضرت مالک الملک اطلاع زیاد شود و چون بداند که نعمت و نعمت و محبت و محنت را چندان بقایی نیست، از متابعت اقبال مغرور و از تواتر ادبار ملول و محزون نگردد. همچنین چون تاریخ ثمرات نیکوکاری و تبعات بدکاری را بر اصحاب قدرت ظاهر می‌سازد، بیشتر آنان از سیرت مذمومه عدول نمایند و به مسالک ابرار گرایند» (همان: ص ۱۴ و ۱۵).

می‌خواند به‌دنبال بحث از این فواید، زیادتی احتیاج حکام به فن تاریخ را متذکر شده و به تشریح آن پرداخته است. به‌دنبال این مباحث، وی به بررسی شرایط مورخان روی آورده است (همان: ص ۱۵-۱۹).

محمد بن ابراهیم ایجی

محمد بن ابراهیم ایجی، مورخ مسلمان قرن هشتم نیز در اثر خویش به نام تحفة الفقیر الی صاحب السریر، مباحثی را به موضوع فایده‌مند بودن تاریخ اختصاص داده است.

عنوان فصل چهارم اثر وی، کاربردها و فواید تاریخ نگاری است. او در این فصل ده فایده را به شرح ذیل برای تاریخ نقل کرده است:

ا. آگاهی از کارهای فوق العاده، قدرت کامل، آفرینش شگفت انگیز و حکمت پنهان خداوند؛

ب. آشنایی با احوال اشرف مخلوقات یعنی انبیا و پیامبران؛

ج. به دست آوردن فهم و درک درست تری از آیات قرآن از راه تطابق اطلاعات تاریخی قرآن با سایر کتب آسمانی؛

د. کسب معرفت تمام بر احوال امت‌های مختلف خواه گروه‌های دینی یا سیاسی؛

ه. آگاهی از احوال شایستگان و نیکوکاران این جهان

و. کاشتن بذر چگونگی پرداختن به مسائلی که ممکن است رخ دهد در اذهان مردم؛

ز. روبه‌رویی با کارهای عجیب و غریب، تغییر سلسله‌های حکومت و دگرگونی

سرنوشت که مایع آرامش فرمانروایان است؛

تاریخ به شخص، شادی و لذت فکری و آشنایی با مسائل برجسته شگفت‌آوری را می‌بخشد که هرگز پیش‌تر آن‌ها را نمی‌شناخت یا به گوشش نخورده بود.

ح. دانش اندوزی از اقوال و گفته‌های بزرگانی چون پیامبران، عالمان و پادشاهان؛

ط. دریافت این نکته که بیشترین علوم دینی بر مبنای معرفت تاریخی استوار است و در موارد بسیار به آن نیازمند است. علوم قرآن، فقه، عرفان، حدیث و غیره به تاریخ نیازمندند (ایجی، ۱۳۶۸: ص ۲۱-۲۴).

سخاوی (۹۰۲-۸۳۱ق)

سخاوی در اثر برجسته خود با عنوان *الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ*، پرداخت گسترده‌ای به موضوع فایده‌مندی تاریخ دارد. وی با عنوان اثر خود نیز به ستیز با مذمت کنندگان تاریخ پرداخته است. او در جایی از اثر خویش فایده تاریخ را معرفت بر امور به صورت واقعی آن‌ها می‌داند. افزون بر آن تاریخ به نظر او یکی از شیوه‌هایی است که بدان طریق می‌توان چگونگی نسخ یکی از دو خبر متعارض را که جمع میان آن دو مشکل است آموخت (سخاوی، *الاعلان بالتویخ*، به نقل از روزنتال: ص ۸۴).

به نظر سخاوی، تاریخ اغلب به کشف و اطلاع از تزویر و تحریف‌های به عمل آمده در مدارک و نوشته‌ها و نظایر آن‌ها کمک می‌کند و یکی از دو راه پی‌بردن به اشتباه در باب

اشخاص متفق الاسم است (همان: ص ۹۰).

یکی از موهبت‌های عظیم و فواید آشکار تاریخ به دست دادن اخبار انبیا عليهم السلام - و سنت آنان همراه با اخبار علما و مذاهب آنان، حکما و کلام‌های آنان، زاهدان و مناسک و مواعظ آنان است. تاریخ در خدمت بهتر آماده ساختن انسان برای معاد و دین قرار می‌گیرد. یکی از فواید عظیم و درس‌های بی‌پایان تاریخ را باید در اخبار ملوک و سیاست‌های آنان، دلایل و اسباب تشکیل حکومت‌ها و بهروزی‌ها و نیز سبب نابودی آن‌ها، تدبیر امور آن‌ها توسط نظامیان و وزیران و در اوضاع و احوالی که به وجهی یکسان یکسره در عالم تکرار می‌شود سراغ گرفت. آن که این جنبه تاریخ را می‌شناسد، کسی را ماند که در تمام دوران‌ها زندگی کرده است؛ همه امور را تجربه کرده است؛ شخصا همه آن اوضاع و احوال را آزموده است (همان: ص ۹۷).

۳۷

تیس

مؤلف پس از آن به ذکر سخن برخی از مورخان در مورد اهمیت تاریخ و فواید آن پرداخته، این بخش از مباحث او با توجه به آن که بسیاری از کتب مورد استفاده او هم اکنون از بین رفته‌اند قابل توجه است.

سخاوی در ادامه با نکوهش ناقدان تاریخ، به پاسخ دادن به آن‌ها می‌پردازد و غایت پرداختن به تاریخ را امید به رضای خداوند می‌داند (همان: ص ۱۵۴-۱۵۵).

ابن خلدون

بی‌تردید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون را باید یکی از نام‌آورترین مورخان و نظریه‌پردازان اسلامی بر شمرد. او به واسطه آنچه در مقدمه کتاب *العبر* خود آورده است، شهرت جهانی دارد. ابن خلدون کنار مباحث ارزشمند دیگر خود به اهمیت و فایده تاریخ نیز پرداخته است.

ابن خلدون تاریخ را از فنون متداول میان همه ملت‌ها و نژادها می‌داند که برای آن سفرها و جهانگردی‌ها می‌کنند. هم مردم عامی و بی‌نام و نشان به معرفت آن اشتیاق دارند و هم پادشاهان و بزرگان به شناختن آن شیفتگی نشان می‌دهند. به نظر او، تاریخ هر چند در ظاهر اخباری بیش نیست در باره روزگاریها و دولت‌های پیشین و سرگذشت قرون نخستین، که گفتارها را با آن‌ها می‌آریند و بدان‌ها مثل می‌زنند و انجمن‌های پر جمعیت را به نقل آن‌ها آرایش می‌دهند، ما را به حال آفریدگان آشنا می‌کند که چگونه اوضاع و احوال آن‌ها منقلب می‌شود، دولت‌هایی می‌آیند و فرصت جهان‌گشایی می‌یابند و به آبادانی زمین می‌پردازند تا ندای کوچ کردن و سپری شدن آنان را در می‌دهند و هنگام زوال و انقراض

ایشان فرا می‌رسد؛ اما در باطن اندیشه و تحقیق در باره حوادث و مبادی آن‌ها و جست‌وجوی دقیق برای یافتن علل آن‌ها است و علمی است در باره کیفیات وقایع و موجبات و علل حقیقی آن‌ها و به همین سبب تاریخ از حکمت سرچشمه می‌گیرد و سزا است که از دانش‌های آن شمرده شود (ابن خلدون، ۱۳۳۶: ص ۲).

ابن خلدون در مقدمه خویش بر فصول اصلی کتاب، در مورد فضیلت تاریخ چنین آورده است:

باید دانست که فن تاریخ را روشی است که هر کس بدان دست نیابد و آن را سودهای فراوان و هدفی شریف است؛ چه این فن ما را به سرگذشت‌ها و خوی‌های ملت‌ها و سیرت‌های پیامبران و دولت‌ها و سیاست‌های پادشاهان گذشته آگاه می‌کند. (همان: ص ۱۳).

نتیجه‌گیری

دانش تاریخ هر چند دارای سابقه‌ای به قدمت خود تاریخ است، سوال از فایده‌مند بودن یا نبودن آن همواره ذهن بسیاری را در گذشته و حال به خود مشغول داشته؛ به همین سبب برخی از مورخان برجسته اسلامی کوشیده‌اند تا در مقدمه آثار خود بدان پردازند. در مقاله حاضر دیدگاه‌های حدود ده نفر از این مورخان در زمینه پیشین بررسی شد. عبرت‌گیری و تجربه‌آموزی از اعمال گذشتگان، دست‌یابی بر ملکه صبر، افزون شدن قوه عقل، رفع ناامیدی، دلگرمی به رحمت الاهی، کناره‌جویی از سرای فانی، دل بستن به سرای باقی، ایجاد سرگرمی و غیره، از جمله مهم‌ترین فایده‌هایی بودند که به نظر این مورخان، دانش تاریخ در بردارنده آن‌ها است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه سيد جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بیست و دوم، ۱۳۸۱ش.
۳. ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه علمی، بی تا.
۴. ابن خاوند، شاه بن محمود (میرخواند) محمد، *تاریخ روضه الصفا فی سیرة الانبیاء والملوک والخلفا*، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۵. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، *مقدمه*، محمد پروین گنابادی، تهران، ۱۳۳۶ش.
۶. ابن خیاط، خلیفه، *تاریخ*، تصحیح سهیل ذکار، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ق.
۷. حافظ، ابرو، *زبدة التواریخ*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۸. الخالدی، طریف، *فكرة التاریخ عند العرب*، بیروت، دارالنهار للنشر، ۱۹۹۷م.
۹. روزنتال، فرانتس، *تاریخ تاریخی نگاری در اسلام*، اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش.
۱۰. زرین، کوب عبدالحسین، *تاریخ در ترازو*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲ش.
۱۱. سجادی، سید صادق و هادی عالم زاده، *تاریخی نگاری در اسلام*، تهران، سمت، سوم، ۱۳۸۰ش.
۱۲. شاکر، مصطفی، *التاریخ العربی و المورخون*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۳م.
۱۳. مرعشی، سید ظهیرالدین، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، تهران، انتشارات شرق، دوم، ۱۳۶۱ش.
۱۴. _____، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، تهران، انتشارات اطلاعات، دوم، ۱۳۶۴ش.
۱۵. مسکویه، رازی ابوعلی، *تجارب الامم*، تصحیح ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، دوم، ۱۳۷۹ش.
۱۶. مطهری، مرتضی، *فلسفه تاریخ*، تهران، انتشارات صدرا، یازدهم، ۱۳۸۰ش.

۱۷. نخجوانی، هندوشاه بن سنجر، تجارب السلف در تاریخ خلفا و وزرای ایشان، تصحیح عباس اقبال، تهران، کتابخانه طهوری، سوم، ۱۳۵۷ش.
۱۸. نصار، حسین، نشأة التدوین التاریخی عند العرب، بیروت، منشورات اقراء، ۱۴۰۰ق.